

# قرقی مسلمانین در تقویت سه اصل است

چونکه میکه صفحات تاریخ اسلام را از آغاز پیدایش آن مورد

مطالعه قرار می دهیم می بینیم این بنای محکم روی سه اصل بنا شده است .

۱ - اصل اعتقادی .

۲ - اصل عبادی .

۳ - اصل اجتماعی و اخلاقی .

در اصل اعتقادی پیغمبر اسلام بشر را بتوحید و خداپرستی سوق داده

آنها را از پراکندگی و پرستش خدایان متعدد منع میکند . و اعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا . الفت و برادری و یگانگی را در میان آنها برقرار میکند آنها را بجزای نیک و بد معتقد کرده به آنها میفهماند که خدا بر تمام اعمال آشکار و پنهانی ایشان آگاه است و برای جاد و اعدام شان در هر موقع قادر و توانا است .

چون اصل اول پایه اصل دوم و سوم است و بدون آن زمینه‌ئی برای

آنها باقی نیست لذا در تحکیم آن پافشاری کرده و مخالفین با این اصل را از جرگه اسلام خارج و از آمرزش محروم میدارد . ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذالک . زیرا اگر اصل معتقدات یا برجا باشد مخالفت‌های فرعی که در اثر فشار هوی و هوس بظهور میرسد ممکن است پس از چندی جبران شود لیکن اگر معتقدانی نباشد انسان در اعمال مخالف با شرع مستولی برای خود فرض نمی کند تا احتمال جبران آن داده شود .

اصل دوم رشته ارتباط بین خدا و خلق است این رشته قطع نظر از ثبوت اخروی مانند آبی است که پیوسته بریشه اصل اعتقادی میرسد و آنرا شاداب و برپا میدارد و ایمان شخص را ، همانطوریکه ابن خلدون در مقدمه خود و غزالی در احیاء العلوم بیان میکنند ، از مرحله نظری و عقلی و اعتقادی بایمان عملی تبدیل میکنند این در فیلسوف اسلامی معتقدند که تا ایمان و عقیده جنبه عملی بخود نکبرد عظمت و سیادت مسلمین اعاده نمی شود .

اصل سوم یعنی وظائف اجتماعی و اخلاقی بمنزله نتیجه دراصل « اعتقادی » و « عبادی » و میوه شجره طیبه اسلام است که در دسترس افراد مسلمانان گذارده شده و همگی از آن بایکبارگی بهره مند میگردند . در اثر نفوذ سیاسی و اخلاقی ، مسلمین نظر مردم عالم را بطرف خود جلب کردند و دسته دسته از مشرکین و بت پرستان را تابع عقاید خود نمودند . قرآن کریم در بیشتر آیات مردم را باصل اعتقادی و اخلاقی سوق میدهد و پیغمبر اکرم در عصر خود توجه خاص نسبت باین دراصل مبذول میداشت اولین خطابش ب مردم این بود . قولوا لاله الا الله تفلحوا . مردم خدا پرست باشید تا رستگار شوید . آخرین کلامش در موضوع اخلاق انی بعثت لایتم مکارم الاخلاق میباشد همینطور شاگردان مکتب اسلام که برجسته ترین آنها حضرت مولی الموالی علی علیه السلام است اصل اعتقادی و اخلاقی را تقویت میکردند . بردارید کتاب نهج البلاغه را مطالعه کنید و ببینید بیشتر سخنان آنحضرت در باره اعتقادات و اخلاق و امورات اجتماعی گفته شده پس از این کتاب نفیس ترین کتابهای مذهبی صحیفه سجادیه است همه بیانات آنحضرت در این صحیفه راجع بامورات

اعتقادی و اجتماعی و اخلاقی است همچنین سایر ائمه هدی که کلمات آنها در کتاب احتجاج طبرسی ضبط شده است هر کدام از این ذوات مقدسه شاگردان خود را علماً و اخلاقاً و عملاً تربیت دادند. روی همین تعلیمات اعتقادی و عملی مردمانی با عقیده و ثابت قدم از مدرسه تعلیمات اسلامی خارج گردید که در کمتر از یک قرن ونیم نفوذ و فتوحات خود را از غرب باسیانیا و از طرف شرق تا پشت دیوار چین رسانیدند و بیشتر معموره دنیای امروز را تحت سلطه و اقتدار خود قرار دادند و مردم مناطق مختلفه را تابع اخلاق و اعتقادات خود نمودند و آنها را از وحشیگری و بت‌پرستی آوردند. علوم و فنون و صنعت و تجارت و علوم ریاضی و هیئت و حجاری و معماری و آداب و اخلاق با آنها یاد دادند. همین قدر در عظمت مسلمان کافی است که دشمنان اسلام معترفند که هیچ تمدنی بیابانه تمدن اسلام نمیرسد. دانشمند فرانسوی گوستاولوبون در آخرین صفحه کتاب «تمدن اسلام و عرب» پس از اینکه اسلام را از نقطه نظر تشکیلات مذهبی و سیاسی مورد تمجید قرار میدهد مینویسد «و اما از نظر خصایص عقلانی و اخلاقی همین قدر کافی است که اروپائیان را تربیت کرده داخل در تمدن نمودند.»

بطوریکه تاریخ یادداشت میکند اطلاعات دینی و مذهبی در صدر اسلام مخصوص طبقه ممتازی نبوده همان مردم بازاری هم حمله علوم و آثار اسلام بودند و تعلیمات اسلامی را در میانه مردم انتشار میدادند. توجه بشرح حال روانیکه بحرفه و صنعت خود از قبیل تمار و شحام و جزار و غیره معروف و نام ایشان در کتب رجال با همین اوصاف مضبوط است این معنی را برای ما روشن میکند.

مورخین مینویسند که انتشار اسلام در چین بوسیلهٔ یکی از بازرگانان مسلمان بوجود آمده است. در همین مملکت وسیع پهناور قسمت مهمی از ساکنین آنرا امروز مسلمان تشکیل داده اند از اینجا احساس میکنیم که مسلمانان امروز چقدر در اعتقادات و اخلاق قوی بوده اند که روش آنها دسته دسته مردم را تابع دیانت خود میکرده است.

متأسفانه امروز ملاقات و مصاحبت یک کافر مسلمان با یک کافر خارجی کافی است برای آن خارجی که ناعمر دارد گوش بتبلیغات دینی و مذهبی مسلمان ندهد زیرا تمام مفاسد اخلاق را در آن مسلمان مشاهده میکند همانطوریکه در این چهار سال معاشرت مستقیم ما با خارجیان نتوانستیم جلب نظر یک کافر از آنها را از نقطه نظر مذهبی بنمائیم.

خلاصهٔ بیانات فوق اینست که اسلام آنروز روی سه اصل اساسی قرار داشت و مروجین، هر سه اصل را در جامعه انتشار میدادند امروز مروجین و متصدیان فقط کوشش خود را نسبت باصل دوم مبذول میدارند دو اصل اعتقادی و اخلاقی را در زاویه فراموشی و غفلت گذارده اند البته خیمه‌ای که میبایست روی سه ستون استقرار پیدا کند يك ستون آنرا بی اندازه بالا بردن و از دو ستون دیگر غفلت کردن معلوم است که آن خیمه بچه صورتی در میآید.

امیدواریم که خوانندگان محترم این مقاله را مورد دقت قرار دهند اگر تصدیق دارند که انحطاط ماسلمان روی انحطاط این دو اصل فراهم آمده است فکری در تجدید و رونق آن بنمایند تا مجد و عظمت ماسلمان تجدید شود. دانشمندانیکه در این زمینه عقائد خود را انتشار دادند و مسلمان را با اتحاد دعوت کردند و کتاب اتحاد اسلام نوشتند آنها

انحطاط را درپرا کندگی و عدم ارتباط مسلمین بایکدیگر و ترقی آنها را در یکسانی و اتحاد تشخیص داده اند نویسنده عقیده مند است که باید آن اصلی که اتحاد و یکسانی مولود او است ادرا پیدا کرد و البته آن اصل اصل اعتقادی و اخلاقی است که در بودن آن دو اتحاد بریاست و در نبودنشان تفرقه و جدائی حکم فرماست. در آئیه راجع بمزایای این دو اصل و طرز تجدید آنها در جامعه بیاناتی بعرض خوانندگان میرسانم توفیق و تائید همگی را از خدا خواهانم.

ح — ر

### بیک تیر دو نشان

شبی ابوالاسود دثلی آواز فقیری را شنید که میگفت: کیست که گرسنه ایراسیر بکند؟ ابوالاسود گدا را بخانه برد و سیرش کرد مرد فقیر برخاست که بیرون رود ابوالاسود گفت: رنهار! بیرون میروی که دوباره مردم را آزار دهی چنانکه مرا آزار دادی. پس درخانه را بست و او را تاصح نگاهداشت.

### پاسخ دندان شکن

عثمان بن عفان کیسه ای پراز درهم بوسیله یکی از بندگان خود برای ابوذر غفاری فرستاد و بوی گفت اگر ابوذر این کیسه را از تو پذیرفت تو آزادی غلام کیسه را نزد ابوذر برد و اصرار داشت که ابوذر آنرا قبول کند ابوذر آنرا نمیپذیرفت غلام گفت آنرا قبول کن چه آزادی من در آنست ابوذر پاسخ داد: راست است ایک بندگی من نیز در آنست!